

مصاحبه هفته نامه سیروان با رستمیان رئیس سازمان کار و آموزش فنی و حرفه ای استان کردستان

* علت تحصن کارگران ریسندگی پرریس کردستان؟

برابر قانون ما نمی توانیم برای کارفرما تعیین تکلیف بکنیم که قرارداد این ها يك ماهه باشد، يك ساله باشد. این توافق بین کارگر و کارفرماست. در قانون این به صراحت دیده شده و در مصوبات هیات دولت هم هست. وزیر کار هم ابلاغ کرده که توافق قراردادها توافق بین کارگر و کارفرماست. کارگرها اول توافق کردند قراردادها را امضا کردند. هیچ اعتراضی هم نداشتند و کارشان را هم انجام داده اند حالا که قراردادشان پایان یافته مسئول کارخانه ریسندگی پرریس از ما درخواست کرد که من این نیروها را نمی خواهم. هیچ کدام از کارگرها را نمی خواهم. شما به ما کارگر جدید معرفی کنید. خوب، اینجا بر اساس قانون و وظیفه صیانت از حقوق کارگر آمدیم ایستادیم و مخالفت کردیم و اجازه ندادیم این کار صورت بگیرد. بنابراین ما وظیفه مان را به طور کامل در اینجا انجام دادیم. اجازه ندادیم اخراج کنند و اصرار کردیم، کارگران را بر سر کار برگردانیم. در جلسه ای هم مسئولین استان، معاون سیاسی امنیتی در کمیسیون کارگری، فرماندار سنندج تمام تدابیر لازم را اتخاذ کردند که همه اش هم حمایت از حق و حقوق کارگر بود که این کارگرها باید سرکار خود برگردند. در اینجا یکی از کارگرها آن طوری که گزارش به ما دادند و دوستانمان بررسی کردند تخلفاتی دارد و کارفرما زیر بار ایشان نمی رود و وی محرك اصلی جریان بود، کارگران را به درگیری و تشنج تحریک می کند. کارفرما هم حیثیت و سرمایه اش در گرو موفقیت است. اگر موفق نشود هم سرمایه و هم حیثیتش را از دست می دهد. بنابراین این کارگر که در مقابل او ایستادگی می کرد را اخراج کرده و این کارگر هم چون کارش را از دست داده و پایان قرارداد طبق قانون با وی تسویه حساب شده است به همین خاطر اقدام به تحریک کارگران می کند و کارفرما گفته با بقیه کارگرها قرارداد را با حضور ما تمدید می کند اما کارگرها این را کشیدند به يك بحث سیاسی و حاشیه ای و آمدند گفتند تا این کارگر اخراج شده بر سر کار برنگردد و قرارداد وی تمدید نشود ما هم سرکار نمی آیم بنابراین این کارشان کار غیرقانونی است.

* تعداد کارگران شاغل در این کارخانه؟

- حدود ۵۷ کارگر، که الان ۳۲ نفر از آنها بر سر کار برگشته اند و کار می کنند. بقیه اش نیز امروز «هشتم شهریور ماه» طبق آخرین جلسه ای که داشتیم حاضرند برگردند. منتها کارفرما حق دارد، می گوید من این کارگران را بر سر کار برمی گردانم اما باید تعهد بدهند که دوباره دست به تحصن و اعتراض نزنند، در اثر این تحصن که حدود هشت روز به طول انجامید کارخانه میلیون ها ضرر داده و کارفرما متضرر شده است. دستگاه های کارخانه خوابیده، جنس به موقع به بازار نرسیده. تعهداتی که قبلا قولش داده شده نتوانسته عمل بکند. این نوع حرکات کارگری برای کارفرمایان ضرر آفرین است. بنابراین ما هم نمی توانیم برابر قانون به کارفرما آسیب برسانیم چون اگر کارفرما نباشد کارگر هم معنا نخواهد داشت و ما هم بر اساس قانون موظف به صیانت از حقوق کارگر و کارفرما هستیم. به صورت عادلانه و با عدالت. اما اینجا با توجه به اینکه احساس کردیم که يك کدورت هایی بین کارگر و کارفرما پیش آمده ما پا را از قانون فراتر گذاشتیم. یعنی به کارفرما تحمیل کردیم که حتما با کارگران قرارداد تمدید کند. خودتان می دانید که برابر قانون تجمع بیش از سه نفر نیاز به مجوز قانونی دارد. این ها بدون مجوز قانونی آمدند تجمع کردند. نیروی انتظامی بر اساس

وظایف ذاتی اش رفته به آنها تذکر داده گفته کار شما خلاف قانون است. این ها تا نیروی انتظامی تذکر داده درگیر شده اند و نیروی انتظامی هم بالاخره ضامن امنیت استان است و با توجه به وظایف قانونی اش با متخلفین برخورد شده و الان هم این کارگران آمده اند اظهار ندامت می کنند و عذرخواهی می کنند اما این عذرخواهی باید توأم با عمل باشد. ما هر روز وقت نداریم برویم سر يك جریان بی خودی که هیچ ربطی به منافع کارگر و کارفرما ندارد جلسه تشکیل بدهیم. کارگران حق ندارند استان را به هم بریزند و استان هم اجازه این کار را به هیچ کس نمی دهد. شما می دانید مهمترین وظیفه نظام و وظیفه مسئولین امنیتی و اجرایی استان حفظ نظم و امنیت استان است. اگر امنیت باشد سرمایه، امنیت شغلی، زندگی و آرامش و حیثیت و شرافت هست ولی اگر امنیت نباشد هیچ کدام از این کارها صورت نمی گیرد. بنابراین نظام به هیچ آدم متخلفی اجازه نمی دهد که يك قدم از ارزش ها و امنیتش کسی تخلفی بکند و برخورد می کند. بنابراین ما توصیه مان به کارگرها این است که اگر این ها می خواهند رزق حلال ببرند خانه، روزی حلال بخورند کاری به این مسایل حاشیه ای و سیاسی نداشته باشند و بنشینند کار خود را انجام دهند. ما هم از حقوق کارگر و هم از حقوق کارفرما دفاع می کنیم. تا الان هم اضافه از قانون از کارگرها دفاع کرده ایم. یعنی من به عنوان متولی قانون کار استان کردستان به شما عرض می کنم الان هم به کارفرما اجحاف کرده ایم. به خاطر اینکه این کارگرها بالاخره بیکار نشوند بیشتر از این هم ما نمی توانیم.

* با این اوصاف چرا بعضی از نمایندگان مجلس معتقدند که در تحصن کارگری کارخانه پرریس مسئولان سازمان شما آتش بیار معرکه بوده اند؟

- عزیزانی که به عنوان نماینده حرف می زنند ما را و تشکیلات ما را، استانداری و تشکیلات سیاسی امنیتی استان را متهم کرده اند به کم کاری. من حاضریم با این آقایان در صدا و سیما و مطبوعات مناظره بگذارم. استفاده از واژه «آتش بیار معرکه» جرم است. درست است که آقایان مصونیت سیاسی دارند ما مخلصشان هم هستیم، با آن ها هم رفیقم ولی من توصیه می کنم از این کار حذر بکنند. به خاطر اینکه این ها الان مصونیت سیاسی و قانونی دارند ولی وقتی که امنیت و مسایل ملی يك استان به خطر بیافتد دیگر قابل جبران نیست. من دوباره به آقایان توصیه می کنم اگر خیرخواهانه می خواهند از منافع کارگر دفاع بکنند بیایند حرف های من، استاندار، رئیس کمیسیون کارگری، رئیس شورای تامین استان را بشنوند، بعد بیایند اظهار نظر بکنند والا تمام حرف های آنها تناقض است، حتی يك کلمه از حرف هایی که در مورد تحصن کارگری گفته اند صحت ندارد به جز اینکه وضع را بدتر بکنند کارگر را تحریک بکنند، از نمایندگان مجلس و کسانی که به نوعی دلشان به مسایل کارگری می سوزد می خواهم بیایند بنشینند به جای اینکه مسایل را حادتر بکنیم موضوع را به حاشیه و به مطبوعات بکشانیم به رادیوهای بیگانه بکشانیم پشت میز مذاکره با هم صحبت بکنیم. اگر ما قصوری داشتیم بعدا بروند صحبت بکنند. ولی قصاص قبل از جنایت که نمی شود، اگر قانون نباشد سنگ رو سنگ بند نمی شود، بنابراین آنچه اصل قانون بوده، اداره کار، استاندار، معاونین وی، فرماندار سنندج، اداره اطلاعات، نیروی انتظامی انجام دادیم. تا الان هم کوتاهی کرده ایم در برخورد و با این ها ماماشات کرده ایم. حقیقتا مصالح این ها را رعایت کردیم. حفظ حیثیت این ها را بر خیلی از قضایای نظام ترجیح داده ایم. اما این اگر بخواهد يك غده سرطانی بشود به جز جراحی راهی دیگری نخواهد داشت.

* چه دلیلی برای رد سخنان و اظهارات شعبانی نماینده مردم سنندج دارید؟

- ببینید برادر من آقای شعبانی از دوستان من می باشد. قبل از اینکه ایشان نماینده بشود بنده با وی سابقه رفاقت دارم. اینکه ما را متهم بکنند به آتش بیار معرکه شرعا و قانونا این جرم است و قابل پیگیری است. اما می خواهیم تعامل بکنیم با نمایندگان مردم. می خواهیم دوستی و رفاقت بکنیم. آقای شعبانی قطعاً از روی عناد از روی کینه و بغض این حرف را زده، از روی دلسوزی و خیرخواهی این حرف را زده اما این حرف وی را صد در صد تکذیب می کنم. هیچ کس از کارگر و قانون کارگر عدول نکرده و از منافع کارگر ما يك قدم عقب نشینی نکرده ایم. بلکه از قانون فراتر رفتیم برای جلب رضایت کارگر، اگر هم جناب آقای شعبانی، نماینده های مجلس و هر کس دیگری در این مورد حرفی غیر از حرف های بنده را دارد به مناظره در مطبوعات و صدا و سیما دعوت می کنم.

* شما به عنوان مجری قانون کار و مدافع حقوق کارگر و کارفرما چه توجیهی برای درگیری نیروی انتظامی با کارگران و متفرق کردن آنها از طریق باتوم دارید و چرا این گونه با کارگران برخورد شد؟

- ببینید مسئول پاسخگویی این سؤال من نیستم، این سؤال را باید از نیروی انتظامی پرسید، اما فیلمی که من بازبینی کردم، گوش کردم و چندین بار هم نگاه کردم هیچ اثری از باتوم و درگیری در این فیلم ندیدم، اما آیا اگر به نیروی انتظامی حمله بشود، اسلحه اش گرفته بشود، لباسش پاره بشود. به ماموران تعرض بشود، نیروی انتظامی می تواند امنیت در کردستان حاکم بکند. هر کس با نیروی انتظامی درگیر بشود حق تیر دارد. وقتی که به نیروی انتظامی حمله می شود، وقتی شیشه نیروی انتظامی را می شکنند، نیروی انتظامی باید دفاع کند.

* قضیه اخراج ۱۶ کارگری که کارفرما در نظر دارد با آنها تسویه حساب بکند به کجا انجامید؟

- هر کس حرف اخراج این ۱۶ کارگر را زده خلاف واقع حرف زده. به خاطر این که ما با کارفرما به توافق رسیدیم به جز کارگری به نام «سهرابی» که مخل نظم و دیسپلین کارگاه و کارخانه است، همه بر سر کار بروند. ما همین الان اعلام آمادگی می کنیم برای برگشت آنها بر سر کار، اما اگر بار دوم این نوع حرکت ها تکرار بشود، بدون دلیل و حق، ببینید يك موقعی اعتراض بر اساس حق است، بر اساس واقع بینی و حفظ مصالح کارگر ما هم دفاع می کنیم اما بعضی اوقات اعتراضات کارگری يك نوع مرض در آن است، طرف می خواهد جو استان را به هم بریزد ما اینجا دیگر دفاع نمی کنیم و برخورد می کنیم، ما همه کارگرها را بر سر کار برمی گردانیم. ما حتی دوست داریم «بهزاد سهرابی» را به سر کار برگردانیم، ولی کارفرما را نمی توانیم در حقش اجحاف بکنیم، کارفرما مختار است، کارفرما می گوید حق و حقوقش را برابر قانون می دهم ولی من دیگر این کارگر را نمی پذیرم. * علت این همه تحصن کارگری در کردستان چیست؟ آیا ناشی از اجحاف کارفرما علیه کارگران نیست؟ شما قانون کار را در سراسر دنیا اگر مطالعه بکنید متوجه خواهید شد که این اعتراضات و تحصن کارگری صنفی است و فقط مربوط به ایران نیست فرانسه را شما نگاه کنید. خودشان را مهد قانون، مهد تمدن و آزادی و دموکراسی می دانند ریخت به هم، انگلستان و آمریکا را نگاه کنید، واقعا اعتراضات کارگری کشور ما و استان ما در مقایسه با این کشورها يك در هزار نیست. این را با مدرک می گویم مستندا می گویم اما این را بدانید مشکلی که استان ما دارد بحث نبودن فرهنگ کارگری و کارفرمایی است. کارگر حرف خودش را می زند. منافع خودش را می خواهد. این طرف کارفرما هم منافع خودش را می خواهد. ما در يك نقطه ای بایستی این وجه تضاد را با هم آشتی بدهیم. یعنی به کارگر

بفهمانیم اگر می خواهد زندگی شرافتمندانه و معیشت خوبی داشته باشد، باید منافع کارفرما را تامین بکند. کاری بکند که کارفرما به لحاظ اقتصادی ضرر نکند و برای کارفرما سودده باشد و به کارفرما هم بفهمانیم اگر می خواهد چرخه صنایع و اقتصادش به گردش دربیاید باید منافع کارگر را تامین بکند. بنابراین ما به عنوان مجری قانون کار يك قدم از قانون نه به نفع کارگر و نه به نفع کارفرما تخلفی نکردیم و حاضریم این را در تمام جلسات و در تمام مناظره ها اعلام بکنیم. قاطع می ایستیم و برای مردم کردستان و تمام مطبوعات ثابت خواهیم کرد که نه تنها آتش بیار معرکه نبودیم، نه تنها ما از حقوق کارگر بیش از حد قانونی دفاع کردیم، بلکه قانون این است که ما می گوئیم و اگر کسی از این قانون تخلفی بکند این کار خلاف قانون است. در آخرین لحظات صفحه بندی سیروان، رستمیان رئیس سازمان کار با سیروان تماس گرفت و گفت: تمام کارگران با توافق کارفرما به سرکار بازگشتند و با آنها قرارداد تمدید شد.

۱۱ شهریور ۸۵

جوابیه بهزاد سهرابی کارگر اخراجی شرکت پریس سنندج

اظهارات رئیس سازمان کار کردستان صحت ندارد

«بهزاد سهرابی» کارگر اخراج شده کارخانه ریسنده پریس سنندج با ارسال مطلبی به سیروان اظهارات رئیس سازمان کار و آموزش فنی و حرفه ای استان کردستان در خصوص تحسن کارگری پریس سنندج را غیرواقعی عنوان کرده و گفته است اظهارات این مسئول پیرامون این تحسن صحت ندارد. سیروان به جهت امانتداری عین ادعای این کارگر را در پی آورده است.

در رابطه با اظهارات آقای رستمیان به عرض می رسانم که اولاً آقای رستمیان مدعی دفاع از حقوق کارگران است. وی حتی يك بار به خود اجازه نداده در زمان اعتصاب و رویدادهای شرکت پریس در محل حضور و به نقطه نظرات کارگران گوش بدهد تا بدین ترتیب در بیان نظراتش دچار تناقض گویی نشود. وی می گوید کارفرمای پریس «امیر اسفندیاری» می خواست که کلیه کارگران که تعداد ۵۷ نفر می باشد را پس از اتمام قرارداد اخراج کند. آیا شما دلیل این اخراج و عدم عقد قرارداد را سؤال کردید؟ آیا این همان عدم امنیت شغلی نیست که کارفرما هر وقت که خواست قراردادهای را فسخ نماید؟ بله کارگران پریس به خاطر عدم امنیت شغلی و نقشه کارفرما که قرار بود به جای کارگران موجود شرکت از نیروی جدید دختر که بر اساس عرف موجود مراکز کارگری دستمزدی حدوداً ۷۰۰۰۰ تومان را شامل می شوند جایگزین نماید، متأسفانه قبلاً از نیروی انسانی افغانی چنین سوءاستفاده ای می شد حالا از نیروی دختران ایرانی؟! آقای رستمیان مدعی است که یکی از کارگران به نام بهزاد سهرابی مشکل دارد و محل است و دوستان وی این را تایید کرده اند!! آیا آقای رستمیان و دوستان وی در کدام مسند قانونی و قضایی هستند و یا بر اساس کدام رای دادگاه به این حقانیت رسیده اند که من محل کارگاه پریس می باشم؛ ایشان که مدعی اجرای قانون هستند یا می داند که تا رای دادگاه و آن هم بر استناد به مستندات و رای صادره نمی تواند هتك حرمت کند و من در این جا از وی و دوستانش اعاده ی حیثیت می کنم. آقای رستمیان آیا دفاع کردن از مباحثات و مطالبات کارگری شایسته این است که شما بیان کنید سهرابی محل و محرك است و توطئه چینی می کند، دفاع از واقعیات از جمله همان مبحث امنیت شغلی که قبلاً اشاره شد توطئه نیست و این را با کلماتی همچون محل بودن نباید پوشش داد. این گونه وارونه کردن واقعیات به نظر من سفسطه بازی است. وی اشاره می

کند که ما وظیفه داریم (اداره کار) که از حیثیت کارفرما دفاع کنیم؟! پس حیثیت کارگر کجاست؟ امنیت شغلی کارگر کجاست؟ زورگویی های کارفرما بر سر کارگر چه معنی می دهد؟ البته منظور آقای رستمیان کاملاً مشخص است. حیثیت یعنی اینکه کارفرما صاحب سرمایه بوده و به قول معروف پول دار می باشد. پس بحث ایشان با این ادبیات واضح است که انسانیت هیچ جایگاهی در قانون کار نداشته و ندارد. آقای رستمیان مدعی است که در ۸/۶/۸۵ تعداد ۳۲ نفر به سرکار خود برگشته و مشغول به کار شده اند و ابراز ندامت کرده اند. باید پرسید کدام کارگر و ندامت بر چه اساسی، ندامت که ما کار می خواهیم، امنیت شغلی می خواهیم، یا اینکه ما را ببخشید که نیروهای پلیس به ما و زن و بچه هایمان کتک زدند، ایشان حتی از نظر جمع و تفریق ساده ریاضی دچار سردرگمی شده اند چون در تاریخ ۸/۶/۸۵ آخرین اعتراض کارگران به اداره کار فرستادند که مسئله ابقاء به کار بررسی شود و نام ذکر شده به حراست اداره کار تحمیل شده تعداد ۴۸ نفر آن را امضا زده اند آقای رستمیان ۴۸-۵۷ مساوی است با ۹ نه ۳۲ .

ایشان در تمام بحثشان مدعی است که کارفرما ضرر مادی متحمل شد پس ما کارگران پس از عمری کار کردن آیا متضرر نشده ایم؟ آیا ضرر فقط وجود مقدار پول و سرمایه است؟! بر اساس بیان آقای رستمیان گویا کارگران به پلیس حمله ور شده و اسلحه آنان را گرفته اند!! عجیب است تعدادی کارگر با دستان خالی چطور می توانند پلیس را خلع سلاح کنند و آن پلیس چقدر ناتوان است که با دستان خالی يك کارگر خلع سلاح می شود. چرا سعی می کنید با بیان توهمات واقعیات اصلی را پرده پوشی کنید، شما مدعی هستید که چندبار من فیلم را بازبینی کرده ام، اما از حمله پلیس چیزی مشهود نیست! من پیشنهاد می کنم که همان فیلم ها را در اختیار مردم بگذارید یا از طریق رسانه های جمعی آن را اکران تا مردم به حقانیت شما پی ببرند. شما خواستار مناظره مطبوعاتی و تلویزیونی شده اید من که مخل و محرك بوده ام! حاضرم با شما و دیگر مسئولین استانی در این رابطه به طور مستقیم و زنده وارد مباحث کارگری شوم و شما در این مناظره می توانید حقانیت خود را ثابت کنید، ضمناً من معتقدم که تمامی قوانین اداره کار به نفع کارفرما می باشد و هر کسی که مدعی است به ما حمله نشده فقط هدفش دروغ پراکنی و پایمال کردن حقانیت کارگران شرکت پرریس است. من و دیگر کسانی که مارك مخل، محرك و... را بر پیشانیمان داریم تنها مشکلمان دفاع از مطالبات کارگری بوده و هست. ما کارگران پرریس به خاطر امنیت شغلی و اخراج از حق خود دفاع کردیم و طبیعتاً این حق هر کارگری است که از منافع طبقاتی خود دفاع کند.